



(عناوهدانی بنام)*

چکیده

از جمله امور مربوط به قیامت که انبیاء الهی از آن خبر داده‌اند، مسأله حساب و میزان می باشد.

بنا به گفته خداوند متعال در قرآن کریم در روز قیامت رسیدگی به حساب بندگان به طور دقیق انجام خواهد گرفت و به هیچ انسانی کوچک ترین ستمی نخواهد شد، و در آن روز کسانی رستگار خواهند شد که ترازوهای اعمال آنان سنگین باشد، و کسانی که ترازوی اعمال آنان سبک باشد از زیانکاران خواهند شد.

نگارنده کوشیده تا در پرتو آیات قرآن و استفاده از کتب حدیثی و تفسیری معتبر و در حد توان و امکان پیرامون موضوع فوق با عنوان «سنجش اعمال از دیدگاه قرآن» به پژوهش پردازد.

کلید واژه: قیامت، حساب، میزان، نامه اعمال.

بحث لغوی

حساب در لغت: با توجه به اینکه لفظ «حساب» دارای معانی مختلفی است، برای

تطبیق این معانی با آیات قرآن و درک این مطلب که کدام مدنظر است، باید به معانی لغوی آن توجه نماییم.

لفظ «حساب» ۵۱ بار، در ۴۴ آیه و در ۲۳ سوره از قرآن بکار رفته است. و مراد از آن «حساب کردن» می باشد. مانند آیه: «فَحَاسِبُنَا مَا حَسَابًا شَدِيدًا» (الطلاق، ۸/۶۵)، و اشاره به مفهوم حدیثی است که از پیامبر (ص) روایت شده که فرمودند: «من نوقش الحساب عذب»^۱؛ آن که ستیزه کرد و خصومت در حساب ورزید دچار عذاب شد.

گفته اند: کلمه «حساب» از ریشه «حسب» از باب «مفاعله» است.^۲

در قرآن کریم استعمال لفظ «حساب» به صورت مصدر و جمع بیان شده چنانکه خداوند می فرماید: «فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاءُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ» (الرعد، ۴۰/۱۳)، «وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ» (الانبیاء، ۴۷/۲۱).

معانی حساب: در ریشه و معانی آن اختلافی وجود دارد، بنابراین معانی ذیل در اکثر معاجم متفاوت آمده است که به آنها اشاره می شود: ۱. شمارش عدد^۳؛ ۲. جماعت بسیار از مردم^۴؛ ۳. بررسی کردن^۵؛ ۴. شماره^۶؛ ۵. جمع و تفریق اعداد^۷؛ ۶. بررسی اعمال خوب و بد انسان^۸؛ ۷. بسنده و کافی^۹؛ ۸. شمردن^{۱۰}؛ ۹. گمان کرد، پنداشت^{۱۱}؛ ۱۰. اندازه^{۱۲}.

در قرآن کریم لفظ «حساب» در معانی مختلفی آمده است عبارتند از: ۱. حساب آسان^{۱۳}؛ ۲. بدون حساب^{۱۴}؛ ۳. شمارش عدد و سال ها^{۱۵}؛ ۴. حسابگر و کافی^{۱۶}؛ ۵. روز حساب اعمال^{۱۷}؛ ۶. حساب بد^{۱۸}؛ ۷. سریع بودن حساب^{۱۹}؛ ۸. حساب شدید^{۲۰}. اکثر اهل لغت گفته اند: جمع «حساب» حُسابان^{۲۱} است و در حدیث آمده است: «اللهم لاتجعلها عذاباً ولا حساباً».^{۲۲}

راغب در مفردات گوید: کلمه «حسبان» با ضمه حرف «ح» آتش و عذاب است، که در واقع همان اعمالی است که حساب می شود و بر حسب آن کيفر و فرجام تعلق می گیرد.^{۲۳} «حاسب» اسم فاعل مذکر از «حسب» جمع آن «حسبه»^{۲۴} و «حاسبین»^{۲۵} می باشد و نیز یکی از اسماء الهی است. چنانکه در قرآن آمده: «وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ» (الانعام، ۶۲/۶). صاحب التحقیق گوید: کلمه «حسیب» از اسماء الهی است منظور از آن، آن که شناخته شده و آگاه و محیط و مطلع بر امور انسان هاست.^{۲۶} خداوند می فرماید: «وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا»

و راغب در مفردات گوید: منظور از «حسیب» و «محاسب»: کسی است که از تو حسابرسی می کند، این واژه ها به پاداش دهنده ای که با حساب پاداش می دهد تعبیر شده است. ۲۷ و بزرگان اهل لغت گفته اند: کلمه «حساب» یکی از اسامی قیامت می باشد. ۲۸

میزان در لغت: کلمه «میزان» دارای معانی مختلفی است که لازم است ابتدا به معانی لغوی آن اشاره شود: لفظ میزان ۲۳ بار در ۱۵ آیه و در ۱۴ سوره از قرآن به کار رفته است.

«میزان» از ریشه «وزن» به معنای سنجیدن، اندازه کردن آمده است. ۲۹ خداوند در قرآن فرمودند: «وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ» (الشعراء، ۱۸۲/۲۶) و آیه: «وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ» (الرحمن، ۹/۵۵).

در لسان العرب آمده کلمه «وزن» به معنی مثقال و جمع آن اوزان است. ۳۰ در اکثر معاجم به این مطلب اشاره شده که استعمال «میزان» به صورت مفرد و جمع است. ۳۱

نیز در قرآن هم به این صورت آمده است؛ چنانکه خداوند می فرماید: «اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ» (الشوری، ۱۷/۴۲) و «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ» (الأنبياء، ۴۷/۲۱).

معانی میزان: در اکثر معاجم برای «میزان» معانی مختلفی بیان کردند: ۱. میزان عدالت ۳۲. ۲. دین و شریعت ۳۳. ۳. آلت و وزن ۳۴. ۴. مقدار، اندازه ۳۵. ۵. مقیاس سنجش حق و باطل ۳۶.

کلمه میزان به چند معنی اطلاق می شود که عبارتند از: الف: وسیله ای که با آن اشیاء سنجیده می شود مانند ترازو. ب: ترازویی که در روز قیامت اعمال آدمی با آن سنجیده می شود. ج: به معنی عدل است؛ در احکام و معاملات و همچنین شریعت که به واسطه عدل و داد میان مردم برقرار می شود. د: مقصود از آن عقل و خرد است؛ که یکی از مواهب الهی به جامعه انسانی می باشد. و بشر در سایه آن حق و باطل را از هم تمییز می دهد. ۳۷

کلمه «میزان» مفرد و جمع آن «موازين» است. ۳۸

میزان با کسره، ابزاری است دارای دو کفه که هر چیزی با آن وزن شود تا مقدار سنگینی آن مشخص شود. و اصل آن موزان است و «واو» قلب به «ياء» شده به خاطر این که واو ساکن بعد از کسره قرار گرفته است و مذکر و جمع آن «موازين» می باشد. ۳۹

کلمه «میزان» در نزد عارفان عبارت است از: دین، قواعد و احکام شریعت و طریقت. ۴۰

به نظر اکثر اهل لغت منظور از «میزان» و آن میزانی که در قیامت، اعمال با آن سنجیده می‌شود، حق است. به این معنی؛ که هر قدر عمل مشتمل بر حق باشد به همان اندازه ارزش دارد و چون مشتمل بر حق است دارای ثقل و سنگینی است بر عکس عمل بد که وزنی ندارد. ۴۱

چنانکه خداوند می‌فرماید: «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ» (الانبیاء، ۴۷/۲۱) و «فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (الاعراف، ۸/۷).

قیامت و حساب بندگان

از نام‌های قیامت در قرآن «یوم الحساب»^{۴۲} است، یعنی، روزی که خداوند به حساب اعمال بندگان خود می‌رسد.

علی (ع)^۴ آنجا که فرق میان دنیا و آخرت را بیان می‌کند می‌فرماید: «وان الیوم عمل ولا حساب و غداً حساب و لاعمل»^{۴۳}؛ امروز روز عمل و کار است، و حساب و بازخواستی ندارد، و فردا روز حساب و بازخواست است و موقع عمل و کار نیست. به طور صریح برخی از آیات قرآن بیانگر این است که در قیامت، خداوند خود به حساب بندگان رسیدگی می‌کند. چنانکه می‌فرماید: «فَاتِمَّا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ» (الرعد، ۶۰/۱۳)؛ تو عهده دار رسالت و ابلاغ احکام الهی به مردم هستی و رسیدگی به حساب آنان به عهده ماست.

در حدیثی از پیامبر (ص)^۴ است که می‌فرماید: «از خدا خواستم که حساب امت مرا به من واگذار تا پیش امت‌های دیگر رسوا نشود، پس خدای عزوجل به من وحی کرد ای محمد نه، بلکه من حسابشان را می‌رسم و اگر گناهی از آنها سرزده از تو پوشیده می‌دارم که پیش تو نیز رسوا نشوند»^{۴۴}.

از چه اعمالی سؤال می‌شود: آیاتی که حاکی از این است که از تمام کارهایی که انسان انجام داده است سؤال می‌شود؛ چنان که خداوند می‌فرماید: «وَلْتَسْئَلَنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (النحل، ۹۳/۱۶)؛ قطعاً شما درباره کارهایی که انجام داده‌اید، مورد سؤال واقع می‌شوید. باز خداوند می‌فرماید: «يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ» (الزلزلة، ۶/۹۹)؛ روز قیامت انسان‌ها گروه‌گروه از قبرها بیرون می‌آیند تا اعمال - یا جزای اعمال - خود را ببینند. گذشته از این آیات دسته‌ای دیگر از آیات است که حاکی از این است که از موضوعات

خاصی سؤال می شود.

به نمونه هایی از آیات اشاره می شود: الف: شهادت ها: خداوند می فرماید: «سُكِّتَبْ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ» (الزخرف، ۴۳/۱۹)؛ البته شهادت های آنان نوشته خواهد شد و مورد سوال قرار می گیرد.

ب: قتل بی گناهان: چنانچه خداوند در قرآن می فرماید: «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (التکویر، ۸۱/۸ و ۹)؛ هنگامی که از دختران زنده به گور شده - هر مقتول بی گناهی - پرسیده می شود که به کدام جرم کشته شدید؟. ج: دروغ ها و تهمت ها: خداوند می فرماید: «تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ» (النحل، ۱۶/۵۶)؛ سوگند به خدا، قطعاً درباره افتراهای شما سؤال خواهد شد. د: راستگویی راستگویان: خداوند می فرماید: «لَيَسْأَلَنَّ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا» (الأحزاب، ۳۳/۸)؛ تا راستگویان را از حقیقت و صدق ایمان شان باز پرسند و اهل کفر را به کیفر تکذیب رسل، عذابی سخت و دردناک مهیا کنند. برخی از روایات یادآور می شود که از همه کارها سؤال می شود، در حالی که برخی، انگشت روی موضوعات خاصی می گذارند. چنان که علی (ع) می فرماید: «و اعمال العباد فی عاجلهم نصب أعینهم فی آجلهم». ۴۵؛ کارهایی که انسان ها در این دنیا انجام داده اند در سرای دیگر مقابل دیدگان آنها نمودار خواهد شد.

و نیز پیامبر (ص) می فرماید: «در قیامت بنده قدم از قدم بر نمی دارد جز این که از چهار چیز مورد سؤال قرار می گیرد: از عمرش که در چه راهی صرف شده؟ از جوانیش که در چه راهی به مصرف رسیده؟ از مالش که از چه راهی تحصیل و در چه طریقی مصرف نموده؟ و از دوستی و محبت ما اهل بیت؟» ۴۶

ابوبصیر گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: «اول ما يحاسب به العبد الصلاة فإن قبلت قبل ماسواها». ۴۷ اولین چیزی که انسان در قیامت باید پاسخگوی آن باشد، نماز است، پس اگر پذیرفته شود کارهای دیگر نیز پذیرفته خواهد شد.

حساب نعمت های دنیوی خدا از نظر روایات

همه نعمت های دنیوی مورد حساب واقع خواهد شد، حتی آنچه از طریق حلال به دست آمده است: علی (ع) می فرماید: «فی حلالها حساب و فی حرامها عقاب» ۴۸؛ در نعمت های

حلال دنیوی حساب است و در آنچه از طریق حرام به دست آمده، عقاب و کیفر .
حلی از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: «انسان مومن درباره سه چیز مورد
حساب قرار نخواهد گرفت: ۱. طعامی که می خورد. ۲. لباسی که می پوشد. ۳. همسر
پارسایی که او را یاری نموده، مانع آلودگی او به گناه می شود». ۴۹

خداوند «سریع الحساب» است: سریع الحساب بودن از خصوصیات دیگر آن دادگاه
است. و اصولاً سریع الحساب بودن از جمله صفات الهی است؛ چنان که علاوه بر آیات
قرآن در دعای جوشن کبیر نیز آمده است «یا من هو سریع الحساب». آیات بسیاری بر این
مطلب دلالت دارند چنانکه خداوند می فرماید: «لِیَوْمٍ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ
الْیَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (غافر، ۴۰/۱۷)؛ امروز هر فردی به آنچه انجام داده است، جزا
داده می شود امروز به کسی ظلم و ستم نمی شود حقا که خداوند حساب بندگان را سریع
رسیدگی می کند.

علامه طباطبائی در تفسیر خود تصریح می کند که جمله «إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» تعلیل
نفی ظلم است که جمله «لا ظلم الیوم» از آن خبر می دهد؛ می فرماید: این که گفتیم در امروز
هیچ ظلمی نیست، بدین علت است که خدای تعالی در محاسبه سریع است، چنان نیست
که رسیدگی به حساب یک نفر او را از حساب افراد دیگر باز بدارد، تا در نتیجه به اشتباه
بیفتد و جزای این را به آن و پاداش آن را به این بدهد، و در نتیجه ظلمی پیش بیاید. ۵۰
این مطلب در آیات دیگر نیز آمده است. ۵۱ و تکرار آن نشانگر آن است که خداوند در
اسرع وقت پاداش نیکوکاران را اعطا خواهد فرمود و بدکاران را بدون تأخیر به مجازات و
سزای اعمالشان خواهد رسانید.

علی (ع) می فرماید: «ان الله يحاسب الخلق كلهم في مقدار لمح البصر» ۵۲؛ خداوند
حساب همه خلایق را در یک چشم به هم زدن رسیدگی می کند.

و نیز آمده است که هر کس به آیات خدا کفر بورزد خداوند سریع الحساب است. و
به سرعت هم در دنیا و آخرت به حسابش می رسد، در دنیا گرفتار خزی و ذلت و محروم از
سعادت حیاتش می کند، و در آخرت به عذاب دردناک دچارش می سازد. ۵۳

آسان گیر در حساب: اگر در روز رستاخیز با گروهی، سخت گیری در حساب می شود،
در برابر، با گروه دیگری که دارای صفات و افعال نیک می باشند، با سهولت خاصی حساب

برگزار می شود. چنانکه خداوند متعال می فرماید: «فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ * فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا» (الانشقاق، ۸۴/۷ و ۸۵)؛ آن کس که نامه اعمال او به دست راست او داده شد به زودی به صورت آسان مورد محاسبه قرار می گیرد.

پیامبر (ص) در ضمن حدیثی فرمودند: «سه چیز در هر کس باشد خداوند حساب او را آسان می کند، و او را به رحمتش در بهشت وارد می سازد. عرض کردند: آنها کدام است ای رسول خدا؟! فرمود: عطا کنی به کسی که تو را محروم کرده، و پیوند برقرار سازی با کسی که از تو بریده، و عفو کنی کسی را که به تو ستم کرده است». ۵۴

و نیز در روایتی از علی (ع) آمده که خدای تعالی فرمود: «وقتی بنده ام می گوید: «مالک یوم الدین» پروردگار متعالش می گوید: شما شاهد باشید، همان طور که بنده ام اعتراف کرد به این که من مالک روز جزا هستم، در آن روز که روز حساب است، حساب او را آسان می کنم و حسنات او را قبول نموده، از گناهانش صرف نظر می کنم». ۵۵

عوامل مؤثر در محاسبه آسان

الف: صله رحم: پیامبر (ص) می فرماید: «نیکی به پدر و مادر و صله رحم، حساب را آسان می سازد». ۵۶

امام صادق (ع) فرمودند: «صله رحم اعمال را پاک و اموال بسیار و حساب را آسان کند». ۵۷

و نیز در روایتی آمده است که: «صله ارحام اعمال را پاکیزه می کند، و بلاها را دفع می کند، و حساب روز شما را آسان می سازد، و اجل را به تأخیر می افکند». ۵۸

ب: نیکی به پدر و مادر: سزاوار آن است که هر مؤمنی نهایت اهتمام در اکرام والدین و تعظیم ایشان نماید و احترام آنها را به جا آورد، و کوتاهی و تقصیر در خدمت ایشان نکند، و با آنها به نیکویی رفتار نماید. چنانکه خداوند متعال می فرماید: «وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (الاسراء، ۱۷/۲۴)؛ و همیشه پر و بال تواضع را با کمال مهربانی نزدشان بگستران و بگو: پروردگارا چنان که مرا از کودکی پروردند تو آنها را رحمت فرما.

و نیز پیامبر (ص) فرمودند: «نیکویی با پدر و مادر، افضل است از نماز و روزه و حج و عمره و جهاد در راه خدا». ۵۹

ج: حساب نفس: حضرت علی(ع) می فرماید: «زنوا أنفسکم من قبل أن توزنوا، و حاسبوها من قبل أن تحاسبوا»؛^{۶۰} خود را بسنجید قبل از این که مورد سنجش قرار گیرید، پیش از آن که حسابتان را برسند حساب خود را برسید.

و نیز روایت شده که: کسی که در دنیا نفس خود را محاسبه کرد و پیوسته اعمالش را بررسی نموده، حساب او در قیامت آسان گرفته می شود.^{۶۱}

مراتب مبارزه با نفس

مقام اول: مشارطت یا معاهده: و آن عبارت از این است که در هر شبانه روزی یک دفعه با نفس، شرط کند و از آن عهد و پیمان گیرد که پیرامون معاصی نگردد، و چیزی که موجب خشم الهی باشد از او صادر نشود، و در طاعات واجبه کوتاهی نکند، و هر عمل خیری که از برای او میسر شود ترک نکند. و بهتر آن است که این عمل را در ابتدای روز، بعد از فراغ از نماز صبح و تعقیبات آن کند. به این نوع که نفس خود را در مقابل خود فرض نماید و به آن خطاب کند و بگوید: ای نفس، سرمایه و بضاعتی به غیر از این ندارم، اگر این از دست من رود سرمایه من بر باد رفته، و امروز روز تازه ای است که خدا مرا در آن مهلت داده و اگر امروز مرده بودم آرزو می کردم که کاش یک روز دیگر خدا مرا به دنیا برگرداند که در آن توشه تحصیل کنم».^{۶۲}

مقام دوم: مراقبت: آن عبارت از این است که در تمام شبانه روز متوجه نفس خود باشد، و در هر کاری که می خواهد بکند، مراقب احوال آن باشد؛ زیرا اگر آن را - نفس - به خود واگذاری، همه آن سفارش های گذشته را فراموش می کند، و عهد و پیمان را می شکند. پس باید در هیچ حالی از آن غافل نشده و در لحظه ای آن را به خود وانگذاشت.

حقیقت مراقبت آن است که در هر حال از احوال، متوجه به جانب خدا باشد و او را مراقب خود داند، و بداند که حق تعالی بر ضمیر همه کس آگاه، و به جمیع اعمال و افعال شان بیناست، و اسرار دل در نزد او مکشوف و ظاهر است. چنانچه خداوند می فرماید: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» (العلق، ۱۴/۹۶)؛ آیا انسان عالم نیست به این که خدا همه چیز را می بیند. **مقام سوم: محاسبه نفس:** مرحله سوم محاسبه بعد از عمل است، هم چنان که بنده باید در اول هر روز وقتی را معین سازد از برای شرط عهد با نفس، هم چنین باید در آخر هر

روز وقتی را معین کند از برای محاسبه، تا در آن وقت از نفس حساب وصیت‌هایی را که در اول روز کرده بود و عهدهایی را که گرفته بود بکشد، و حساب جمیع حرکات و سکانات را از آن بجوید. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «با نفس خودت جهاد کن و مانند یک شریک، او را تحت محاسبه قرار بده و همانند یک طلبکار ادای حقوق الهی را از او بخواه، زیرا سعادت‌مندترین مردم کسی است که برای محاسبه نفس مهیا باشد». ۶۳

در اخبار وارد شده است که از برای عاقل باید در شبانه روزی چهار وقت باشد: «یک وقت که با پروردگار خود خلوت کند و راز گوید؛ و یک وقت که در آن حساب نفس خود را کند؛ و یک وقت که تفکر در عجایب صنع پروردگار نماید؛ و یک وقت مشغول تربیت بدن و اکل و شرب باشد». ۶۴

مقام چهارم: معاتبه نفس: انسان بعد از آن که در آخر روز، حساب نفس خود را رسید و آن را خیانتکار و مقصر یافت، نوبت به مرحله معاتبه می‌رسد؛ که در این مرحله انسان خود را مورد خطاب و سرزنش قرار می‌دهد؛ که بدین وسیله نفس خود را بر جبران نواقص و خطاها آماده می‌سازد. معاتبه نفس در دو مرحله انجام می‌پذیرد:

مرحله اول: انتقاد از خود و استیفاست؛ که در این مرحله از نفس لوآمه باید الهام گرفت و خود را توبیخ و سرزنش کرد؛ که این مرحله، مرحله خشم و تنبیه است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «هر کس نفس خود را تأدیب نکند آن را تباه کرده است». ۶۵

مرحله دوم: ندامت و پشیمانی از اعمال گذشته؛ خداوند می‌فرماید: «ای مؤمنین، همه شما به سوی خدا توبه کنید، شاید رستگار شوید» (النور، ۳۱/۲۴).

در روایتی آمده است که: «در دل هر بنده نقطه سفیدی وجود دارد، پس هر گاه مرتکب گناهی شد، در آن نقطه سفید، نقطه سیاهی به وجود می‌آید. اگر توبه کرد، نقطه سیاه زایل می‌شود. و اگر به گناه خویش هم چنان ادامه داد، نقطه سیاه نیز به تدریج زیادتر می‌شود، به حدی که نقطه سفید را به کلی می‌پوشاند، آن‌گاه صاحب آن هیچ وقت به خیر برنمی‌گردد». ۶۶

محاسبه بد: در برخی از آیات به افراد هشدار داده شده است که از محاسبه بد بیم داشته باشند. چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ» (الرعد، ۲۱/۱۳)؛ آنان به آنچه که خدا فرمان به وصلت آن داده است. پیوند برقرار می‌کنند و از خدای خود و از بدی - سختی - حساب می‌ترسند.

نقش عقل در حسابرسی: در حالی که با گروهی با دقت هر چه تمام تر عمل می شود، با گروهی دیگر با اغماض و چشم پوشی حساب صورت می پذیرد، ولی دقت و یا مسامحه، بستگی به مواهبی دارد که از جانب خداوند به انسان ها داده شده است.

در روایتی امام باقر(ع) می فرماید: «إِنَّمَا يَدَّاقُ اللَّهُ الْعِبَادَ فِي الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدَرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي الدُّنْيَا»^{۶۷}؛ این است و جز این نیست که دقت می کند خداوند با بندگان در حساب روز قیامت به قدر آنچه در دنیا به ایشان داده از عقل.

ولایت، شرط قبولی اعمال: ولایت و معرفت از جمله اموری است که نه تنها از مسلمات بلکه از ضروریات مذهب مقدس شیعه است. چنان که خداوند می فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (المائدة، ۵۵/۵)؛ ولی امر و یاور شما تنها خدا و رسول و آن مؤمنانی هستند که نماز پیاداشتند و به فقیران در حال رکوع زکوة می دهند. امام صادق(ع) می فرماید: «کسی که روز قیامت بدون اعتقاد به شما - ولایت - در پیشگاه خداوند حاضر شود، نه حسنه ای از او پذیرفته گردد و نه سیئه ای از او بخشیده شود».^{۶۸}

در روایتی پیامبر(ص) فرمودند: «اولین چیزی که پس از مرگ از انسان سوال می شود شهادت بر یگانگی خدا و رسالت محمد(ص) و ولایت تو از جانب خدا و رسول بر مؤمنان، پس هر کس بدان معتقد بوده و اقرار نماید، به نعمت های جاودان رهنمون خواهد شد».^{۶۹} و نیز فرمودند: «در روز قیامت بنده قدم از قدم بر نمی دارد مگر این که در مورد محبت اهل بیت سؤال شود، گفته شد یا رسول الله علامت و نشانه محبت شما چیست؟ فرمود: ولایت علی(ع) را بپذیرد».^{۷۰}

نماز، اولین امر مورد حساب در قیامت: نماز یکی از بهترین عوامل سیر و سلوک معنوی و تقرب إلى الله است. نماز به سایر اعمال انسان ارزش و روح می دهد. چرا که نماز روح اخلاص را زنده می کند، نماز مجموعه ای است از نیت خالص و گفتار پاک و اعمال خالصانه که تکرار این مجموع در شبانه روز بذر سایر اعمال نیک را در جان انسان می پاشد. و روح اخلاص را تقویت می کند.^{۷۱}

امام صادق(ع) می فرماید: «أَوَّلُ مَا يَحْسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قَبِلَتْ قَبْلَ سَائِرِ عَمَلِهِ، وَإِنْ رَدَّتْ عَلَيْهِ عَمَلَهُ رَدَّ عَلَيْهِ سَائِرَ عَمَلِهِ»^{۷۲}؛ نخستین چیزی که در قیامت از بندگان حساب

می شود نماز است، اگر مقبول افتاد سایر اعمالشان قبول می شود، و اگر مردود شد سایر اعمال نیز مردود می شود.

میزان در قیامت

از امور مربوط به رستاخیز مسأله «میزان» است چنان که خدای تعالی در قرآن می فرماید: «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ» (الأنبياء، ۲۱/۴۷)؛ در روز رستاخیز، ترازوهای عدالت را بر پا می داریم، به هیچ انسانی کوچک ترین ستم نمی شود. و اگر به اندازه سنگینی دانه خردل کار انجام داده باشد، آن را می آوریم و کافی است که ما حسابرس بندگانییم.

علی (ع) در حدیثی می فرماید: «مقصود در آیه شریفه «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ...» میزان عدل است که روز قیامت خلائق با آن مؤاخذه می شوند. و خداوند در میان خلائق نسبت به یک دیگر با آن حکم می کند و جزا می دهد. ۷۳»

و نیز جابر از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: در روز قیامت میزان را می گذارند و حسنات و سیئات را می سنجند، کسی که حسناتش بر سیئاتش رجحان داشته باشد، داخل بهشت می شود، و کسی که سیئاتش بر حسناتش رجحان داشته باشد، وارد آتش می گردد. ۷۴

اسباب سنگینی میزان اعمال: بدون شک، ارزش همه اعمال نیک یکسان نیست، و با هم تفاوت بیشتری دارند، به همین جهت در روایات مختلف اسلامی، روی پاره ای از اعمال خیر، تکیه زیادی شده است و آنها را اسباب سنگینی میزان و ترازوی عمل در قیامت شمرده اند.

فضیلت ذکر تهلیل «لا اله الا الله»: در حدیثی پیامبر (ص) می فرماید: «لا اله الا الله» اشاره به وحدانیت خداوند است و هیچ عملی بدون آن پذیرفته نمی شود، و این کلمه تقوا است که ترازوی سنجش اعمال را در قیامت سنگین می کند. ۷۵»

علی (ع) می فرماید: «خف میزان ترفعان منه و ثقل میزان توضعان فيه»؛ ۷۶؛ ترازوی سنجشی که شهادتین از آن برداشته شود سبک است، و میزانی که شهادت در آن گذارده شود سنگین است.

امام باقر (ع) در حدیثی از پیامبر (ص) روایت می کند که فرمود: «هر چیزی هموزنی دارد، مگر خداوند و «لا اله الا الله» که هموزنی ندارد و قطره اشکی از ترس خدا که با هیچ

وزنی قابل اندازه گیری نیست». ۷۷

فضیلت صلوات: در حدیثی چنین روایت شده که: «در میزان چیزی سنگین تر از صلوات بر محمد و آل محمد (ص) نیست. همانا اعمال شخصی را در میزان بگذارند و سبک باشد پس صلوات را بیرون آورند و در میزانش نهند پس میزانش سنگین می شود». ۷۸ و در حدیثی پیامبر (ص) می فرماید: «کسی که بر من صلوات بفرستد روز قیامت از تمام اعضاء او نور ساطع می شود و از پل صراط می گذرد و از آتش نجات می یابد». ۷۹

فضیلت حُسن خُلُق: پیامبر (ص) در حدیثی می فرماید: «خوی نیک گناهان را محو می کند چنان که آب، یخ را ذوب می کند». ۸۰
و نیز می فرماید: «لیس شیء ما أثقل فی المیزان من الخُلُق الحسن»^{۸۱}؛ در میزان اعمال، چیزی سنگین تر از خوی نیک نیست.

تأثیر تلاوت برخی از سوره ها در میزان: امام محمد باقر (ع) می فرماید: «کسی که سوره «ماعون» را در نمازهای واجب و نافله بخواند، از کسانی خواهد بود که خداوند نماز و روزه آنها را قبول می کند و از او در مورد کارهایش که در دنیا انجام داده است، حساب نمی کشد». ۸۲
و نیز حضرت می فرماید: «هر کس سوره «ق و دخان» را در فریض و نوافل بخواند، حق سبحانه روزی بر وی وسیع گرداند و در آخرت نامه اعمال را به دست راست او دهند و به آسانی حساب او نمایند». ۸۳

امام کاظم (ع) می فرماید: «هر کس سوره «فرقان» را هر شب بخواند، خداوند هیچ گاه او را عذاب ننموده، او را محاسبه قرار نداده و منزل او «فردوس اعلی» بهشت برتر خواهد بود». ۸۴

-
۱. المفردات، ۴/۴۷۸؛ الکشاف، ۴/۷۲۶.
 ۲. معجم الوسیط، ۲-۱/۱۷۱؛ فرهنگ لغات قرآن، ۱/۳۲۱.
 ۳. مفردات، ۱/۴۸۶؛ مجمع البحرین، ۱/۵۰۴.
 ۴. فرهنگ جامع نوین «سیاح»، ۱/۲۵۸؛ الرائد/۶۷۴.
 ۵. لغت نامه دهخدا/۵۲۵-۵۲۶/«حسب»
 ۶. پرتوی از قرآن، ۲/۴۲.
 ۷. همان، ۳/۲۹۰.
 ۸. ترجمه مجمع البیان، ۱۳/۵۱.
 ۹. أقرب الموارد، ۱/۱۸۹؛ فرهنگ جامع نوین «سیاح»، ۱/۲۵۸؛ الرائد/۶۸۴.
 ۱۰. لسان التنزیل «محقق»، ۱/۲۷۳؛ قاموس قرآن، ۲/۱۲۷؛ معجم الوسیط، ۲-۱/۱۷۱؛ فرهنگ لغات قرآن «قریب»، ۱/۳۲۱؛ فرهنگ فارسی «معین»، ۱/۱۳۳۱.

۱۱. پرتوی از قرآن، ۴/۸۴؛ التحقیق فی کلمات القرآن، ۲/۲۲۵؛ قاموس قرآن، ۲/۱۲۷.
۱۲. فرهنگ جامع نوین، ۱/۲۵۸؛ الرائد/۶۷۴.
۱۳. الانشقاق، ۸/۸۴.
۱۴. ص، ۳۸/۳۹.
۱۵. یونس، ۵/۱۰.
۱۶. الاحزاب، ۳۳/۳۴؛ الکشاف، ۴/۶۹۰.
۱۷. الحاقه، ۶۹/۲۰.
۱۸. الرعد، ۱۳/۲۱.
۱۹. ابراهیم، ۱۴/۵۱.
۲۰. الطلاق، ۸/۶۵.
۲۱. قاموس قرآن، ۱/۱۲۷؛ فرهنگ لغات قرآن «قرب»، ۱/۳۲۱؛ معجم مقاییس اللغة، ۲/۱۵۹؛ الرائد/۶۷۴؛ فرهنگ جامع نوین، ۱/۲۵۸؛ أقرب الموارد، ۱/۱۸۹؛ التحقیق فی کلمات القرآن، ۲/۲۲۵-۲۲۶.
۲۲. مفردات، ۲۳۲.
۲۳. «الهی باد را عذابی و حسابی برای کیفر قرار مده»، المفردات، ۱/۴۸۷؛ أقرب الموارد، ۱/۱۸۹.
۲۴. فرهنگ جامع نوین، ۱/۲۵۸؛ لغت نامه دهخدا/۵۲۹؛ معجم الوسیط، ۱/۱۷۱.
۲۵. فرهنگ فارسی «معین»، ۱/۱۳۳۱.
۲۶. التحقیق فی کلمات القرآن، ۲/۲۱۱؛ معجم الوسیط، ۱/۱۷۱؛ فرهنگ لغات قرآن، ۱/۳۲۱؛ فرهنگ جامع نوین، ۲۵۸/۱-۲۵۹.
۲۷. المفردات، ۱/۴۹۲؛ أقرب الموارد، ۱/۱۹۰.
۲۸. نثر طوبی، ۲-۱/۱۷۱؛ لغت نامه دهخدا/۵۲۵-۵۲۶ «حسب»؛ الرائد/۶۷۴؛ أقرب الموارد، ۱/۱۸۹.
۲۹. فرهنگ لغات قرآن، ۲/۶۹۷؛ قاموس قرآن، ۵-۷/۱۳۱۴.
۳۰. لسان العرب، ۱۵/۲۹۱؛ منتهی الارب، ۳-۴/۱۳۱۴.
۳۱. لسان العرب، ۱۵/۲۹۰؛ نثر طوبی، ۲-۱/۵۵۰.
۳۲. منتهی الارب، ۳-۴/۱۳۱۴؛ قاموس قرآن، ۲/۲۹۰؛ أقرب الموارد، ۲/۱۴۴۹؛ فرهنگ سیاح، ۳/۵۲۲؛ معارف اسلامی «سجادی»، ۳/۱۹۷۵.
۳۳. قاموس قرآن، ۵-۷/۲۰۹.
۳۴. قاموس قرآن، ۲/۲۰۸؛ فرهنگ سیاح، ۳/۵۲۲؛ معجم الوسیط، ۲-۱/۱۰۳۰؛ منتهی الارب، ۳-۴/۱۳۱۴.
۳۵. معجم الوسیط، ۲-۱/۱۰۳۰؛ أقرب الموارد، ۲/۱۴۴۹؛ فرهنگ جامع نوین، ۳/۵۲۲.
۳۶. همان؛ قاموس قرآن، ۲/۲۰۸.
۳۷. نثر طوبی، ۲-۱/۵۵۰.
۳۸. همان؛ لسان العرب، ۱۵/۲۹۰.
۳۹. أقرب الموارد، ۲/۱۴۴۹؛ قاموس قرآن، ۲/۲۰۸؛ معجم الوسیط، ۲-۱/۱۰۳۹؛ فرهنگ جامع نوین، ۳/۵۲۲.
۴۰. فرهنگ معارف اسلامی، ۳/۱۹۷۵.
۴۱. نثر طوبی، ۲-۱/۵۴۹-۵۵۰؛ فرهنگ سیاح، ۳/۵۲۲؛ فرهنگ لغات قرآن، ۲/۶۹۷؛ المیزان، ۱۲/۲۰۳.
۴۲. آیاتی که روز قیامت را «یوم الحساب» نامیده اند، بسیاری از آن جمله: ن. ک. به آیات: ابراهیم، ۱۴/۴۱؛ ص، ۳۸/۱۶ و ۲۶ و ۵۳؛ غافر، ۴۰/۲۷.
۴۳. نهج البلاغه/۱۲۸/خ/۴۲.
۴۴. نهج الفصاحه/۵۱۷/ح/۱۷۱۵.
۴۵. نهج البلاغه/۱۰۹۱/ح/۶.
۴۶. بحار الانوار، ۷/۲۵۸-۲۶۷/ح/۱ و ۳ و ۳۱؛ خصال، ۱/۲۵۳.
۴۷. بحار الانوار، ۷/۲۶۷/ح/۳۳.
۴۸. نهج البلاغه/۱۸۱/خ/۱۸؛ تحف العقول/۱۹۸.
۴۹. بحار الانوار، ۷/۲۶۵/ح/۲۳.
۵۰. المیزان، ۱۷/۴۸۵.
۵۱. به آیات: البقرة، ۲/۲۰۲؛ آل عمران، ۳/۱۹ و ۱۱۹؛ المائدة، ۵/۴؛ الانعام، ۶/۶۲؛ الرعد، ۱۳/۴۱؛ ابراهیم، ۱۴/۵۱؛ النور، ۲۴/۳۹؛ رجوع شود.
۵۲. مجمع البیان، ۲/۲۹۸.
۵۳. المیزان، ۳/۱۸۹.
۵۴. مجمع البیان، ۲۶/۳۹۶؛ نهج الفصاحه/۴۲۱/ح

- ۱۲۷۷ . ۶۸ . وسائل الشیعه، ۱/۱۱۹/ب/۲۹/ح/۳ .
- ۵۵ . عیون اخبار الرضا/ ۲۳۴، به نقل از المیزان، ۱/ ۶۳ .
- ۵۶ . المیزان، ۱۱/ ۴۶۸ .
- ۵۷ . ترجمه اصول کافی «مصطفوی»، ۳/ ۲۲۹/ح/ ۳۳ .
- ۵۸ . بحار الأنوار، ۷۴/ ۱۱۱/ ۷۱؛ ترجمه اصول کافی، ۲/ ۱۵۰/ح/ ۴؛ معراج السعادة/ ۴۸۰ .
- ۵۹ . إحياء العلوم «غزالی»، ۲/ ۱۹۲؛ محجة البيضاء، ۳/ ۴۳۴ . به نقل از معراج السعادة/ ۴۸۳ .
- ۶۰ . بحار الأنوار، ۶۷/ ۷۳؛ نهج البلاغه/ ۱۵۴ - ۱۵۵ / ۹۰ خ .
- ۶۱ . الكاشف، ۷/ ۵۴۰ به نقل از نسیم حیات «بهرام پور»/ ۹۵ .
- ۶۲ . معراج السعادة/ ۶۲۶؛ کیمیای سعادت، ۲/ ۸۷۸ - ۸۷۹ .
- ۶۳ . غرر الحکم، ۳/ ۳۶۶/ح/ ۴۷۶۲ .
- ۶۴ . بحار الأنوار، ۷۸/ ۳۲۱؛ کیمیای سعادت، ۲/ ۹۷۷؛ معراج السعادة/ ۶۳۹؛ جامع السعادات، ۳/ ۹۹ .
- ۶۵ . غرر الحکم، ۵/ ۲۴۶ - ۲۴۷/ح/ ۸۱۹۳ .
- ۶۶ . بحار الأنوار، ۷۳/ ۳۶۵ .
- ۶۷ . همان، ۷/ ۲۶۷/ح/ ۳۲؛ نور الثقلین، ۵/ ۵۳۷ .
- ۶۹ . بحار الأنوار، ۷/ ۲۷۳/ح/ ۴۱ .
- ۷۰ . همان/ ۲۶۷/ح/ ۳۱ .
- ۷۱ . تفسیر نمونه، ۱۶/ ۲۹۲ .
- ۷۲ . بحار الأنوار، ۷۹/ ۲۳۶/ح/ ۶۴؛ تفسیر نمونه، ۱۶/ ۲۹۲ .
- ۷۳ . توحید صدوق/ ۲۶۸ .
- ۷۴ . الدر المنثور، ۳/ ۷۰؛ المیزان، ۸/ ۱۶ .
- ۷۵ . نور الثقلین، ۵/ ۶۵۹ .
- ۷۶ . همان .
- ۷۷ . ثواب الاعمال/ ۱۱ .
- ۷۸ . ترجمه اصول کافی، ۴/ ۲۵۲؛ بحار الأنوار، ۹۱/ ۴۹ - ۵۶؛ نور الثقلین، ۵/ ۶۵۹ .
- ۷۹ . ثمرات الحیوة، ۳/ ۴۵۶ .
- ۸۰ . نهج الفصاحة/ ۴۷۶/ح/ ۱۵۴۲؛ کیمیای سعادت، ۲/ ۵۰۹ - ۵۱۰ .
- ۸۱ . نهج الفصاحة/ ۶۶۱/ح/ ۲۳۹۷ .
- ۸۲ . ثواب الاعمال/ ۲۷۳ .
- ۸۳ . منهج الصادقین، ۹/ ۲؛ ثواب الاعمال/ ۲۴۵ - ۲۴۶ .
- ۸۴ . ثواب الاعمال/ ۲۳۳ .